

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

قاسم باز
۰۸ نومبر ۲۰۱۶

پیشگفتار پورتال:

با آن که برای ما، قضیه "هاشمیان" و ارگان نشراتی استخبارات المان، سگ مرده ایست، که لگد زدن به آن امکان آلودگی کفش انسان را بار می آورد، ما این مطلب را بدان خاطر به نشر می سپاریم، که ارگان نشراتی استخبارات المان، با زیر پای نمودن حقوق دموکراتیک نویسنده و سانسور قسمت هائی از نوشته اش، از نشر کامل نوشته همکار عزیز ما آقای "باز" خودداری نمود.

باید بیفزائیم که ما عامدانه، نوشته ارسالی آقای "باز" را ویراستاری نکرده به همان شکل ارسال شده آن منتشر می سازیم. امیدواریم آقای "باز" و خوانندگان عزیز پورتال، این کار را ناشی از بی علائقی و یا عدم توجه ما ندانسته، بلکه علت آن را امانتداری مطلق ما در انتقال مطالب قبول نمایند.

اداره پورتال AA-AA

درفشانی های سید؟ خلیل الله هاشمیان مدیر مسول ایینه هاشمیان !

برای هاشمیان درفشانیهها و اوقی گیریهها به یک کار، شغل و وظیفه حرفوی تبدیل شده، میدانم تا لحظه مرگ که جسد وی تا حضیره انتقال نیابد وی از این کار اوقیگیریهها منصرف نه خواهد شد.

به این رویش که وی اختیار نموده لازم نمی بینم به وی کلیمه، داکتر یا پروفیسور ذکر کنم، پروفیسوری و داکترا از خود ارزش و مقام کار دارد.

شما هاشمیان در بین مردم چیز فهم افغانستان به سه موضوع متهم هستید.

الف: گمشدن گردن بند، خانم مرحوم سردار شاولی خان در سفارت افغانی در انگلستان و اتهام دوزیدن ان گردن بند خانم مرحوم مارشال شاولی خان غازی بالای هاشمیان.

ب: هاشمیان زمانیکه مامور رسمی وزارت خارجه در انگلستان بودید، در کشور انگلستان به یک خانم سیتیزن انگلیس عروسی نموده و از ان وصلت عروسی هاشمیان صاحب یک پسر بنام (احمد) شد، این جناب به این کار قوانین استخدام وزارت خارجه افغانستان که در ان قوانین ان اداره ذکر گردیده بود، هیچ مامور وزارت خارجه نمی تواند زوج خارجی داشته باشد هاشمیان به این کار قوانین استخدام وزارت خارجه را زیر پا نمود، سردار محمد نعیم خان وی را به همین خاطر از وزارت خارجه رخصت نمود، هاشمیان بعد از رخصت شدن از وزارت خارجه وی این عقده را حالا از

محمد داوودخان و نعیم خان میکشید، در حالیکه آنها صرف قوانین انوقت نافذ وزارت خارجه را بالای وی تطبیق نمود.

ج: اشتراک پدر و کاکا هاشمیان در اغتشاش اعلم خان و افضل خان، خانان شینوار بجرم همکاری به کسانیکه امنیت ملی کشور را برای شش ماه جنگ متواتر به حکومت انوقت مسلحانه به محاطره انداخته بود.

خوانندگان محترم افغان جرمن انلاین. اینک بیست و یک مورد از درفشانیهای هاشمیان که از سال ۱۹۸۰ شروع و الی امروز تاریخ ۴/۱۱/۲۰۱۶ در باره سردار محمد داوودخان شهید و یک عده وطن پرستان دیگرکه از فکر مریض هاشمیان تراوش نموده به خدمت شما خوانندگان گرامی نمره وار تقدیم میدارم. لحظه که این نوشته را تحت قید قلم در میاوردم چند تا دوستانم از جاهای مختلف برایم تلفون نموده و متذکر گردیدند، که لطفاً نوشته هاشمیان را فراموش کن چیزی نه نویس، بخاطریکه وی یک شخص مریض و دیوانه است، من در جواب شان گفتم اگر وی دیوانه است، من به دوستان خود عرض نمودم اگر امروز من برای وی جواب ننویسم شاید وی زیاد مریض خواهد شد، مجبورم یک جواب فشرده بدون تفصیل زیاد برایش بنویسم، تا دوستان و دشمنان بدانند که کی راست و کی کاذب میگوید. من در آینده نزدیک بالای هر یک از این مواد نوشته خود که علیه درفشانی های هاشمیان به طور فشرده نویشتم بطور مفصل خواهم نوشت، ولی برای فعلاً بصورت فشرده به این مواد اکتفا میکنم.

۱- هاشمیان شما در طول چند سال گذاشته در ایینه خود همیشه بالای اعلان سفربری دولت شاهی بخصوص در زمان صدارت محمد داوودخان انتقاد بیجا مینمود، حتی وی (هاشمیان) این اعلان شهید محمد داوودخان را یک عمل خایانه و ضد ملی تلقی میکرد، هاشمیان ان اعلان سفربری مرحوم محمد داوودخان را به سویه خیانت ملی بر ضد ان مرحوم تبلیغ سو مینمودید، مجله هاشمیان گواه مدعا ماست، ولی خوشبختانه در این یک دو ماه نظر هاشمیان کاملاً ۱۰۰٪ تغیر نموده نمی دانم علت این تغیری نظر وی چیست؟

۲- هاشمیان همیشه در مجله ایینه خود مسولیت اغتشاش و جنگ صافی کتر را که در زمان سلطنت و پاچاهی اعلیحضرت ظاهرشاه، صدارت محمد هاشم خان، وزارت دفاع شاه محمودخان، به وزارت داخله محمدگل خان مومند، نایب الحکمگی عبدالله خان وردگ به قوماندانی فرقه مشری عسکری به سرکردگی محمد داوودخان و قوماندانی جنگ صافی کتر به رهبری جنرال عارف خان و مسولیت رسانیدن مهمات جنگی و لوژستیکی به امریت عبدالرحیم عبدالرحیمزی صورت گرفته بود. هاشمیان تمام اجرات ان جنگ را بدوش محمد داوودخان شهید می اندازد. یعنی دیگران در شکستادن و خاموش ساختن این اغتشاش هیچ رول و دخالت نداشته و تمام کارها را شخص محمد داوودخان انجام میداد، یعنی امر تمام سوقیات نظامی و عسکری، زمینی و هوایی به امر و هدایت وی صورت گرفته و دیگران به اصطلاح در غندی خیر نشسته بودند.

۳- هاشمیان در ایینه خود قضیه دارلمجانین قلعه زمانخان را بنام کشتارگاه مرحوم داوودخان در وقت جمهوریت! که اصلاً این واقعه از زمان صدارت داکتر عبدالظاهرخان صداعظم انوقت شروع شده بود. اصلاً این قضیه در اواخر سال جمهوریت محمد داوودخان کشف گردید، هاشمیان این موضوع را بعد از سال ۱۹۸۰ تا یکسال قبل که اینجانب در باره ان معلومات کافی داشتم نویشتم، هاشمیان تا سال قبل که توانست این قضیه را بر ضد محمد داوودخان در مجله ایینه؟ خود تبلیغ سوه نموده، هاشمیان در این ادعای میان تهی مدعی گردیده بود که این قلعه کشتارگاه مرحوم محمد داوودخان بود که در ان مخالفین خود را به قتل میرساند، مجله ایینه هاشمیان شاهد این ادعا من است. هاشمیان به این گونه ادعاهای کاذب و فریب دهنده و بی مسولیت خود نتوانست درفشانیهای خود را جامه عمل بپوشاند، چون خودم یکی از اعضای بررسی ان قضیه یا دوسیه بودم، ان دوسیه که اضافتر از هزار صفحه بود در دفتر خارنوالی ما بود و شخصاً ان دوسیه

را از سر تا اخیر خوانده بودم. ان قضیه از زمان صدارت داکتر عبدالظاهر شروع شده بود، در این قلعه یک عده افراد بی بضاعت نگهداری میشدند، یک نفر صاحب منصب بنام (میوه گل) که امر محافظت این مردم بود، وی دست خود را همراهی مسولین دارلمجانین که اعاشه این افراد به دوش آنها بود یکجا نموده افراد بی بضاعت که در انجا به مرگ طبیعی میمیرد، این نفر موظف و مامورین دارلمجانین راپور مرگ آنها را به مقامات مربوطه نمی داد، بخاطر اینکه این مامورین اعاشه و اباته آنها را خود میگرفتند، تعداد افرادی که در طول تقریباً هفت سال که در انجا بمرگ طبیعی خود مرده بودند تعداد شان بیست و هفت نفر مسکین و بی بضاعت که نی پیواز داشتند و نه خیش و قوم که از آنها احوال پرسی نماید، وقتیکه این موضوع در دوران جمهوریت داوودخان افشاه شد شخص داوودخان از این حادثه نگران و امر تحقیق این قضیه را صادر کرد، در این دوسیه وزیران داخله، قوماندانان ژندارم پولیس، و قومندانهای امینه ان وقت ولایت کابل، از زمان صدارت داکتر عبدالظاهر، محمد موسی شفیق تا دوران جمهوریت به تمام شان مسولیت ارجاع شده بود، مرحوم سردار محمد داوودخان در ان دوسیه نوشته بود « به هر شخصیکه در این قضیه و دوسیه مسولیت ارجاع شده بدون در نظر داشت اینکه وی کی است تحت پیگرد قانونی گرفته شود.» من به حیث خانونال که ان دوسیه در خانونالی اختصاصی جرایم پولیس که من عضو ان خانونالی بودم دو هفته پیش از کودتا ۷ ثور به خانونالی ما بعد از غور و تدیق دوباره هیئت تدقیق که چند وزیر برحال جمهوریت هر یک عبدالکریم عطایی، پوهاند وفی الله سیعی، پوهاند داکتر قیوم وردگ و وزیر سرحدات، عبدالکریم حکیمی ویک دوتا دیگر را موظف ساخته بودند تا دوسیه را تدقیق همه جانبه نموده و هر چی زودتر غرض اجرات بعدی به محکمه ارجاع نماید، خانونال ورزید فریدون اقامه دعوا خود را بالای متهمین ترتیب کرد، ولی فردا ان روز که دوسیه باید به محکمه ارسال میشد کودتا ۷ ثور به وقوع پیوست، هاشمیان به دروغهای بی مسولیتانه خود این قضیه را بر ضد محمد داوودخان در مجله ایینه خود بر ضد داوودخان تبلیغ دروغین مینمود، هاشمیان به این دروغ بی مسولیتانه خود روی خود را در بین مردم سیاه ساخت.

۴- هاشمیان. شهید محمد داوودخان را نظر به نقل قول دروغین و خود ساخته خود که وی ان نقل قول را به شخص دیگری بنام شرر ارتباط داد، هاشمیان در این نقل قول، از نقل قول شرر متذکر گردید و در پورتال افغان جرمن-انلاین متذکر گردید، که داوودخان به سفارت روسها جاسوسی میکرد و همیشه بعد از وقت رسمی از طرف شام نا وقت به سفارت روسها میرفت و به آنها راپورها روز مره را میداد، فاغتبویا اولابصار. حیا بد چیز نیست.

۵- هاشمیان در طول سی و پنج سال گذاشته داکتر محمد حسن شرق را کمونست، عضو کاجی بی و یار غار، معرفی میکرد، ولی در این چند سال بطور متداوم دید و وادیدها به وی شروع کرده و مکالمات تلفونی دارد، وی از گفتنیهای سابق خود هیچ باک و ارزم ندارد.

۶- هاشمیان به سلسله دروغهای مکرر و بیجا اش که از ذهن ضعیف و مریض وی تراوش میکند از آوردن میت غازی امان الله خان به افغانستان و از اشتراک سردار محمد داوودخان در مراسم تشیع جنازه ان غازی بی باکانه چشم پوشی میکند. عکس ان مراسم در اخبارهای افغانستان به نشر رسیده و اصل ان عکس در ارشیف ملی افغانستان موجود است، ولی هاشمیان از اشتراک محمد داوودخان در ان مراسم چشم پوشی مینمود تا اینکه این موضوع توسط داکتر صاحب عبدالله کاظم مفصلاً تشریح و شرمندگی ان بهتان بی جا به هاشمیان ماند.

۷- هاشمیان در طول چندین سال گذاشته همیشه از دشمنان غازی امان الله خان، مثلاً، ملک قیس خان خوگیانی، زیرک خان جدران، و یکی دو ملک شینواری پشتبانی مینمود. این افراد، اشخاص بودند که در بر انداختن حکومت مردمی و مترقی امانی به حبیب الله مشهور به بچه سقاو کمک نمودند، این افراد فوق الذکر در دوره سلطنت محمد نادرخان و ظاهرشاه، یعنی در زمان صدارت محمد هاشم خان و داوودخان بخاطر همکاری به پسر سقاو یا اغتشاش گران سقوی به

کیفر اعمال شان یعنی بند و تبعید محکوم شدند . ولی بدبختانه هاشمیان و امثالهم هاشمیان تا امروز از آنها دفاع مینمایند، این را گویند (امان) دوستی ؟.

۸- هاشمیان در کابل همراهی گروه پرچمیها از نزدیک نشست برخاست و محافل شب نشینی داشت وی در این محافل از داوودخان بد گوی میکرد، و به اعضای حزب پرچم وانمود میساخت که وی سرسخت ترین مخالف خاندان ال یحیی است، وی میخواست به این کار اعتماد حزب خلق شاخه پرچم را بدست بیاورد. ولی تقرر ببرک کارمل به حیث سفیر در کشور چکوسلواکیه سفارت در خاج کشور، تیر امید هاشمیان یه زمین خورد وی فرار را بقرار ترجیح داد و به کشور امریکا مهاجر گردید.

هاشمیان انقدر یک شخص ضعیف النفس است که وی بخاطر بدست آوردن اعتماد حزب دیموکراتیک خلق بخصوص شاخه پرچم، بخاطر بدست آوردن مقام و چوکی وی (خلیل الله هاشمیان) در فاتحه یکی از رهبران حزب پرچم که در آن وقت حزب خلق و پرچم بر علیه حکومت محمد داوودخان اتحاد و ایتلاف نموده بود .

هاشمیان در روز روشن در فاتحه **میر اکبر خیبر** اشتراک نمود و سر خود را به رهبران حزب دیموکراتیک خلق تا ناف خود خم کرد. من از هاشمیان تمنا دارم اگر وی خواسته باشد در دیگر نوشته شان که بجواب من مینویسد، باید از موضوع رفتن به فاتحه میر اکبر خیبر طفره نرود، و به خوانندگان این سایت معلومات بدهید، این یک خواهش است از هاشمیان.

۹- هاشمیان تا روز حیات مرحوم ظاهر شاه که به وی از دفتر شاه فقید یک مقدار پول داده میشد وی خود را طرفدار شاه وانمود میساخت، ولی بمجردیکه شاه فقید به حق رسید وی متوجه شد که دیگر این ارزی وی نیز برآورده نشد، یکبار در سایت افغان جرمن – انلاین اعلان نمود، که وی بعد از این ظاهر شاهی نیست.

۱۰- هاشمیان انقدر یک شخص کوچه و بازار است که حتی اعضای نزدیک فامیل وی همراهی وی رفت و آمد فامیلی ندارد.

۱۱- هاشمیان در پورتال افغان جرمن انلاین به یک هموطن محترم بنام حتی به مسایل ناموس بعضی اعضای بدن وی بنام یک توته گوشت، خلاف کرامت انسانی تجاوز عریان نمود و ان افغان را تحقیر و توهین نمود. این را گویند پروفیسوری و داکتری.

۱۲- هاشمیان در طول این سالهای متمادی در ایینه خود به شخصیت های بزرگوار کشور مانند، غلام حیدر عدالت، سید عبدالله خان، داکتر سهیل، امان الله خان حیدری، داکتر حسن شرق، به شمول پدرم و صدها تن دیگر هموطنان را توهین و تحقیر نمودند. ان هم بخاطر اینکه انها دوستان محمد داوودخان بودند.

۱۳- هاشمیان فکر میکنند که تنها فامیل سادات وی است که در ولایت کنر زندگی میکند، اشخاص و سیدان مورد احترام مردم کنر هستند، ولی وی نمی دانند که پاچاهان خوش نام دیگر نیز در کنر وجود دارد، که از فامیل هاشمیان کرده ، بمراتب زیادتز خوش نام نیک نام، و اشخاص متنفذ کنر هستند. فامیل سید شمس الدین مجروح بمراتب از فامیل هاشمیان کرده نام نیک صاحب حرمت و عزت هستند انها نتنها در ولایت کنر بلکه در تمام مشرقی و تمام افغانستان نام نیک دارد و مردم انها را زیاد تر میشناسد. این هاشمیان است که در ایینه خود بیجا کف و پف میکند.

۱۴- هاشمیان انقدر یک شخص غبی و بی حافظه دو رویه و درغگو حرفوی است، وی نتنها در مقاله نو خود بالای پدرم تهمت دروغین بست بلکه وی بالای پدر مرحوم صمد حامد سابق معاون صدارت نیز تهمت بست، هاشمیان میگوید که پدر صمد حامد مامور و نوکر پدرش بود. فاعتبر یا اولابصار .

برای پدر داکتر صاحب صمد حامد به پاس خدمات شان امیر شهید امیر حبیب الله خان پدر غازی امان الله خان در خوگیانی ننگرهار چندین جریب زمین، بمثل پدر محمد گل خان مومند و پدرکلانم کامران داده. سردار عبدالرزاق خان پدر داکتر صاحب صمد حامد هم به امیر شهید حبیب الله خان و هم به غازی امان الله خان زیاد نزدیک ویکی از سرداران نامور ننگرهار بودند، او خدا چقدر دروغ را از زبان و قلم هاشمیان دروغو میشنوم.

۱۵- من در افغانستان و پاکستان سه نفر را میشناسم که آنها به محمد داوودخان از نگاه عقده و از طی دل به مرحوم محمد داوودخان خطاب لیونی سردار میکند، این اشخاص شعوری میخواد ان شخصیت را در اذهان مردم کم بیاورد، اسناد زنده این گونه افراد محل افترا گر در یوتوب موجود است این سه نفر عبارتند. جنرال بابر پاکستانی، گلاب ننگر هاری خدمتگار ای ایس ای وخلیل الله هاشمیان، امروز مردم دوران قف و پف پدرکلانهای هاشیان نیستند که خوب و بد را تفکیک نکند امروز عصر اتوم است، مردم خدمتگاران صادق و حقیقی را از خاینین خوبتر و بهتر تفکیک می نماید، من از هاشمیان میپرسم در صورتیکه شما آگاه هانه به مرحوم داوودخان لیونی میگوید، پس برای خود چی خطاب میکند، شخص فهمیده هیچ وقت تحت زعامت یک دیوانه کار نمیکند، اگر شما ادم درست و نورمال می بودید چرا تحت زعامت یک دیوانه در پوهنتون کار میکردید ایا ان کار بشما شرم نبود که شما تحت اراده یک لیونی کار کنید پس از این معلوم میشود که شما خود یک شخص نورمال نیستید. هر حرف دو پهلو دارد اگر یکطرف آن را به نفع تان می شمارید طرف دیگرش را نیز مدنظر داشته باشید.

۱۶- جنرال حمید گل ریس ای ایس ای پاکستان در یک گردهمایی کلان مهاجرین و مجاهدین در زمان جهاد در پیشاور در محضر عام گفت، که سازمان ای ایس ای پاکستان نتوانست دو شخصیت مهم افغانی را در بین مهاجرین و مجاهدین افغانی خریداری نماید، یکی قوماندان عبدالحق خان برادر حاجی صاحب عبدالقدیر خان و دیگری عزیز الله واصفی. ولی شما بدبخت خلیل الله هاشمیان در ایینه تان چی چیزها نبود که نثار این دو شخصیت ملی نه کردید، گاهی شما آنها جاسوسان خطاب مینمودید، گاهی واصفی را بنام پسر سقو خطاب نمودید، و گاهی شما عبدالحق خان را بنام نماینده انگلیس خطاب نمودید. افسوس بحال کسیکه بخود ملیگیرا خطاب نماید ولی هیچ اصول ملیگیرایی در عمل و کردار شان نباشد. شما نه به عمر یک چشمه وفادار ماندید، نه به محمد ظاهرشاه و نه به پرچمیها.

۱۷- هاشمیان، شما چقدر دروغ و تهمت در مورد بیانیه مرحوم داوودخان بنام خطاب بمردم افغانستان بالای محمد داوودخان و بیانیه شان گفتید، گاهی شما مرحوم داوودخان را بیسواد خطاب نمودید، گاهی گفتید که این بیانیه را برای وی حزب پرچم نوشته، گاهی گفتید که از مسکو برای وی ارسال شده. تهمت و بهتان هم اندازه دارد. مثل است که میگوید (ته چی نه شرمیری تا به خوک و شرموی).

۱۸- شما به سلسله درفشانیهایتان در ایینه تان؟ درمورد ملاقات شهید محمد داوودخان با بریزنیف چی اوقی گیریها نبود که نکردید، تا اینکه این موضوع را استاد محترم جناب داکتر صاحب سید عبدالله کاظم و جناب محترم و عالیقدر آقای عبدالجلیل جمیلی صاحب دیپلومات ورزیده و سابقدار افغانستان که شخص وی عضو ان هیئت و جریان حقیقی ان ملاقات را تحریری نوشت که ان نوشته زینت بخش پورتال افغان جرمن انلاین گردیده، چون وی شخصاً در ان ملاقات مهم و تاریخی حاضر بود، وی دروغهای تانرا رد و پوز شما را به زمین سایید، بعد از ان عقل تان در سر تان امد. و چپ شدید.

۱۹- هاشمیان دروغ هم اندازه دارد، شما میگوید که پدرم بازمحمدخان منگل، را (پدر شما) به سردارهاشم خان معرفی کرد، فاعتبرو یا اولابصار لعنت الاالله بالای کذبین، لعنت الله الکذبین.

در پکتیا بخصوص در قوم منگل ما مثل است، و قتیکه یک فرد دروغ بگوید مردم برایش میگوید. (روغ نه بی او که کری در ی. (داسی) / بخدا قسم حالا فهمیدم که خودت واقعاً یک انسان نورمال نیستی. و به یک تداوی دوامدار ضرورت داری، انهم در ریپلیتیشن و دیوانه خانه.

خلیل الله هاشمیان توجه نماید به دروغهای شاخدار تان. / کاکا و پدرم در معرکه جنگ استقلال بیغام نادرخان که در آن وقت وی سپهسالار جبهه جنگ جنوبی بود، سردار نادرخان به کاکا یم بیغام هماهنگ کردن تعرض و حمله همزمان و تعیین وقت و روز حمله یکجایی بالای قشون عساکر انگلیس در سرحدات یکتیا و مشرقی، بین نادر خان و صالح محمدخان بود، آنها ان بیغام را از پکتیا از طرف سپهسالار نادرخان به مشرقی به جنرال صالح محمدخان رسانده و اوکی بیغام صالح محمد خان را به نادر خان به پکتیا برده، بعد از حصول استقلال شناخت کاکایم به نادرخان و سردار هاشم خان پیدا گردید، یک فامیلیکه در انوقت در خوگیانی ننگرهار صد جریب زمین سه فصله زراعتی و کار تجارت برنج و گندم بین ولایت جنوبی و مشرقی داشت، چطور میشود پیش خدمت یک دفتر شود. ظالمانه اینکه وی در نوشته خود که در سایت افغان جرمن- انلاین نشر گردید به بسیار دیده درایی میگوید که پدرم در وقت صدارت سردار محمد هاشم خان معاون ریاست عمومی ضبط احوالات بود، (لعنت خدا بالای دروغگو . هاشمیان

جریان شناخت پدرم با سردار محمد هاشم خان . و قتیکه بالای سردار هاشم خان از طرف طرفداران سقو یعنی ملک قیس خان خوگیانی و مردم شینوار فشار آمد، مرحوم محمد گل خان مومند، سید رسول پاچا خوگیانی که بعداً حاکم عالی پروان و قطعن در زمان صدارت هاشم خان و داوودخان، آنها تا کوه تورغر یا سیاه کوه همراهی هاشم خان مشایعت کرد بعد از ان چون کاکایم و پدرم راه بلد بودند آنها دو نفر بهمراهی هاشم خان صدراعظم که از طرف شب آنها حرکت میکردند تا کرمه یکجا مشایعت کردند، آنها در شب اخیری نزدیک کرم راه را غلط کرده بکدام جای دیگر که از نادرخان دور بود رسیده بودند، بعد از ان وقت کاکایم همراهی هاشم خان بحیث یاور شروع بکار نمود، و قتیکه هاشم خان بکابل آمدند و صدراعظم شد، کاکا مرحوم، پدرم را که در انوقت نوجوان ۱۸- ۲۰ ساله بود وی را توسط هاشم خان در مکتب حربیه شامل ساخت، در صنف پدرم ظاهر خان و داودخان همراهی چند نفر دیگر همصنفی بودند، بعد از یک دو ماه کاکایم بمرگ طبعی جان را بحق سپرد، در این مدت یکی از روزها سردار محمد هاشم خان غرض دیدن برادرزاده های خود به مکتب عسکری میروود بعد از معاینه کردن مکتب حربیه به پدرم میگوید که عوض کاکایت همراهی من باش و به همین خاطر سردار هاشم خان پدر مرحوم ام را همراهی خود بحیث یاور توظیف مینماید. پدرم از امورات دفتر صدارت هاشم خان همراهی وی شروع بکار میکند. عجب بی انصافی است که هاشمیان دروغگو ادعا میکند و میگوید که پدرم هم در ضبط احوالات کار میکرد و هم بحیث یاور هاشم خان بود. و باز مهمتر از همه این ادم بی حافظه میگوید که پدرم پیش خدمت پدر شان بود، لغنت الله الا کاذبین.

۲۰- هاشمیان شما تنها از یک قلم عاید یک تعمیر ما که ما ان ساختمان را به امریکایهای به کرایه دایم متذکر گردیدید، ولی از دیگر درآمد فامیل من خیر ندارید، میدانم که شما میخواهید بدانید، حالا من برایت میگویم، شکر خدا هزار بار شکر، شما شخص مریض و غیر نورمال از دفاتر صادراتی و وارداتی چین، دویی، پاکستان و افغانستان خیر ندارد، مطمئن ام اگر خبر شوید، میترسم که از حسادیت زیاد چشمان کور تان کورتر نه شود.

۲۱- خوانندگان گرامی افغان جرمن انلاین، سال گذاشته بعد از روز تنکس گبین امریکا، هاشمیان برایم یک نامه دو صفحهی و یک ایمیل شخصی در یاهو برایم ارسال کرد و بعد از توبه نامه برایم گفت که اگر کتاب خاطرات پدرت که نویسنده و محقق پرتوان آقای شهسوار سنگروال نیازی، نوشته یک نسخه انرا بمن ارسال کنید من هم بلادرنگ یک جلد ان کتاب را به وی ارسال نمودم، این داستانیکه هاشمیان در این مقاله نو خود تحت عنوان که بتاریخ ۲۰۱۶/۱۱/۴

در سایت افغان جرمن نشر گردید از روی ان کتاب پدرم هر چی که در ان کتاب بود، هاشمیان متن نوشته ان کتاب را سرچیه ساخته و اینست مقاله خود را عنوانی بنده که هیچ به خواندن نمی ارزد نوشته کرده، ان کتاب فکر میکنم که جناب داکتر صاحب سید عبدالله کاظم و آقای فواد ارسلان نیز مطالعه نموده. این که در ان کتاب چی نوشته شده تنها کسانی میدانند که ان کتاب را خوانده، انها میدانند که واقعیت چیست.

حالا از شما خوانندگان به کمال احترام تمنا میکنم که به چند عرایض بنده توجه نموده بعد قضاوت بدست شما است، هاشمیان مثل سابق در درفشانیهای خود این بار باز هم گلی را به اب داده متذکر میگردد، که پدرم توسط پدر وی به سردار هاشم خان معرفی شده. (در ولایت ننگرهار کیسکه تهمت ببند مردم برایش میگوید مخ دی تور.) ۲۱- هاشمیان تنها از یک قلم عاید یک تعمیر ما که ما انرا به امریکاییهای به کرایه دادیم متذکر گردید ولی خوشبختانه بگویم یا بدبختانه که وی حالا در امورات شخصی و اقتصادی مردم هم علاقه دارد که بداند، هاشمیان شکر خدا هزار بار شکر، شما از دفاتر صادراتی و وارداتی ما در چین، دوبی، پاکستان و افغانستان خبر ندارد، میترسم اگر خبر شوید چشمان تان از حسودی زیاد کور نشود.

خوانندگان گرامی. اولین دیدار پدرم همراهی محمد هاشم خان دران روز که سردار هاشم خان از باغ میمله خوگیانی از طریق راه سیاه کو یا تور غر بطرف پکتیا نزد محمد نادرخان میرفت برای بار اول دیدن مینماید. اولین وظیفه پدرم همراهی هاشم خان صدراعظم از دوران صدارت هاشم خان شروع میشود.

فرض مثال اگر ما این ادعای مزحرف خلیل الله هاشمیان را قبول نمایم که پدرم هم یاور هاشم خان بوده و هم به اصطلاح عضو استخبارات (ضبط احوالات)، در این جا سوال پیدا میشود، وقتیکه پدرم از سوابق محبوسین و مجرمین که پدر و کاکا هاشمیان بود وانها به جرم اخلاص امنیت ملی زندانی شده بودند ، پدرم که در ان وقت یاور اعتمادی صدراعظم اهین بود چطور و بکدام جرات پدرم به خانه افراد که انها در منزل شخصی شان تحت نظارت دولت قرار گرفته شده و پدرم از این موضوع هم اطلاع داشته باشد رفت و آمد کند. فاعتبرویا اولابصار، این هم مثل دروغهای شاخدار دیگر خلیل الله هاشمیان، دروغ بالای درغ، هاشمیان لیونی و بی مغز میخواهد به این گونه دروغها و درفشانیها خود و فامیل خود را بالاتر بتراشد، و از نقش تعویض نویسی و قف و پف پدرکلان و فامیل خود طفره رود.

خوانندگان محترم ، در افغانستان ولسوالی کدام پست مهم دولتی نبود که یک فرد یا ورثه یک ولسوال بالای ان زیاد بنازد، امروز حکومت و دولت افغانستان پشت مردم چشم درد میگردد تا یک نفر را پیدا و به یکی از ولسوالیها روان کند. هاشمیان بیچاره یک مکتوب عادی یک والی را هم فرمان خطاب مینماید، بهر صورت.

هاشمیان در سجره خود مینویسد، که من هاشمیان بن فلانی بن فلانی بن بن بن بن سید جمالدین افغان هشتم این بن بن همان قصه خیشاوندی گوسفندان است و بس.

هاشمیان اگر در زندگی خود کدام کار خوب کرده باشد ان کار شان شاید همکاری وی در تدوین قاموس دری است و بس. خواهش من از هاشمیان اینست که لطفاً این کار را به امانت داری به اتمام برسانید، باز ما و شما گپهای زیاد داریم که بالای ان تبصره نمایم.

قرار معلوم یک تعداد زیادی از همکاران سابق این سایت از خاطر درفشانیهای بی مسولیتانه هاشمیان این سایت را رها کرد ، که بعضی از ان دوستان سایت نو را بخود ساخت و بعضی شان به سایت های دیگر رفتند. من نوشته سابق خود را که بتاريخ ۲۷/۱۱/۲۰۱۶ در سایت وزین افغان جرمن اقبال نشر یافت به خلیل الله هاشمیان بسیار محترمانه نویستم ولی وی چون ادب نداشت قدر ادب را ندانست، وی به گپ های کوچه و بازار پناه برد.

اگر این اقا دیوانه زنجیری مشوره بنده و دیگر دوستان را قبول کند، که این مشوره مایان هم بخیر وی و هم بخیر این دیگران است، من از این آقای محسن، پا به لب گور و مریض روانی و کر و کور تقاضا میکنم که لطفاً دیگر نقل قول های بیجا نکند، پول خود را در جیب خود محفوظ نگاه دارد، و انرا بی جا مصرف نه کند، چرا که این پول در آینده نزدیک به درد شان خواهد خورد ، آخرین توصیه من به این دروغوی بی مغز اینست چون گرامر پشتو و دری را خوانده اید، بهتر است یک کلاس گرامر دری و یا پشتو را در کلفورنیا باز نماید. و در ان، (الف زر، ا، الف زیر، بی ، الف فی ، او / اه ای او) را تدریس نماید.

باقی دار همراهی تفصیل بیشتر.

۵/۱۱/۲۰۱۶